



جلسه ۱۶۸

دوره هفتم تقنييه

# صورت مشروح و مذکرات مجلس

( بدون مذکرات قبل از دستور )

پنجشنبه هشتم آبان ماه ۱۳۰۹ - ۷ جمادی الثانیه ۱۳۴۹

قيمت اشتراك ساليانه داخله ۱۰ تومان خارجه ۱۲ تومان تک شماره : يكقرارن

طبعه مجلس

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه هشتم آبان ماه ۱۳۰۹ ( ۷ جمادی الثانیه ۱۳۴۹ )

## فهرست مذاکرات

- ۱) شور اول معاہده صنعتی ایران و آلمان
- ۲) بقیه شور ثانی لایحه ممیزی از ماده ۴
- ۳) موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

- ۱) تصویب صورت مجلس
- ۲) تصویب دو فقره مخصوصی
- ۳) شور ثانی لایحه اصلاح قانون ممیزی

مجلس چهار ساعت و سه ربع بعد از ظهر برپاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [۱- تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس چهارشنبه هفتم آبان ماه را آقای دویدندی ( منشی ) قرائت نمودند

رئیس -- در صورت مجلس نظری نیست ؟ ( خیر )

صورت مجلس تصویب شد.

### [۲- تصویب دو فقره مخصوصی ]

رئیس - دو فقره خبر از کمیسیون عرايض و مخصوص رسیده است قرائت میشود .

خبر مخصوص آقای هزار جریبی

نماینده خبرم آقای هزار جریبی تقاضای هفت روز مرخصی از ۷ آبان ماه ۱۳۰۹ نموده اند کمیسیون

ایشان موافق و اینک خبر ازرا تقدیم میدارد

رئیس - عخالی نیست ؟ ( خیر ) موافقین با مرخصی بند

### [۳- شور ثانی لایحه اصلاح قانون ممیزی ]

رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه مربوط بشور دوم

لایحه ممیزی قرائت میشود :

لایحه مذاکرات مشروح یکصد و شصت و هشتادین جلسه از دوره هفتم تقدیمیه . ۱- مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵ ( ۲۰ دی ماه ۱۳۰۶ )

خبر کمیسیون

بود که همه چیز تقریباً گران بود از روی قیمت های کمیسیون قوانین مالیه باحضور آقای وزیر مالیهشور نانی لایحه اصلاح ممیزی را بصمیمه پیشنهادات واصله از طرف آقایان نایاندکان مورد شور و مدافعه قرار داده و با اصلاحاتی که بعمل آمد رایت آرا تنظیم و تقدیم مجلس مقدس می نماید.

ماهه اول - از تاریخ تصویب این قانون باستانی نقاطیکه دولت بلاحظه احتیاجات ارزاق ابقاء مالیات جنسی را در آنجا صلاح بداند مالیات مزبور بطور دائم تبدیل به مالیات نقدی خواهد شد نرخ تعیین برای تعیین اساس این تبدیل مطابق نرخ آزاد متوسط جنس درشت ماهه اخیر بدون آفت در محل معین خواهد شد برای تعیین نرخ متوسط جنس در هریک از ولایات جزء کمیسیونی بشرح ذیل تشکیل خواهد گردید

۱) حاکم یا نایانده او

۲) رئیس مالیه یا نایانده او

۳) رئیس بلدیه یا نایانده او و در نقاطیکه رئیس بلدیه ندارد رئیس انجمن بلدیه

۴) دو نفر مالک از معتمدین محل ویک نفر تاجر غله که باتفاق نظر حاکم و رئیس مالیه معین میشوند رئیس - ماهه اول مطرح است آقای فیروز آبادی

**فیروز آبادی** - بنده عرض این است سه چهار سال پنجم سال قبل یک قانون ممیزی آمد به مجلس دومرتبه یا سه هرتبه هم اعتبار بجهت آن گرفته شد تقریباً یک کرور تجاوز خرج دولت و ضرر مردم شد تا بن قانون ممیزی را

یک سر و صورتی دادند یک نقطه که دست خود بنده بود شش روز یا هفت روز گرفتار بودیم تا این نقطه عملش خانه پیدا کرد حالا دومرتبه آن قانون را تقریباً میخواهند بهم بزنند اولاً که یک خرج گزافی بجهت دولت خواهد شد این یک ضرری خواهد شد وابن یک ضرری است دوم یک صدمه و زحمتی بجهت مردم تولید خواهد شد سوم بنده گمان نمیکنم هیچ ینفع دولت نام شود چرا بجهت اینکه در آن ممیزی که شد زمانی

است در ممیزی و آن لایحه ممیزی سابق دوشه عیب داشته که دولت متوجه آن شده که خواسته آن معایب را منتفع کند ضمناً هم یک نقطه نظری داشته است که آن نقطه نظرش را در قانون وارد کرده است. آن نقطه نظر قانون چه بوده است؟ این بوده است که دریک تقاضای که یک ممیزی هائی شده و یک اعمال تفوذهایی در آنجا شده و ممیزین بالآخره یک ممیزین درست کاری نبوده اند اصل رفه اند آنجا و منافع دولت را حفظ نکرده اند اصل مقصود دولت این بوده و آن چیزی هم که اسباب توهم اغلب شده این است و تقاضای هم که ممیزی آن از روی عدالت شده البته هیچ مورد تردید وزارت مالیه نبوده تجدید نظر خواهد شد بنده هم اینجا میخواهم عرض کنم که ما نظر نداریم که در این مملکت یک تقاضای ممیزی بشود که یک اشخاصی صدی سه و نیم صدی دو داده باشد و یک تقاض خرد مالکی صدی سه و نیم را صدی چهار و پنج داده باشد حضر تعالی همانطوری که فرمودید تماش دارید با خرد مالکین و زارعین و فرمایشات و صحبت هایان در این زمینه است که حفظ منافع آنها شده باشد دولت هم همین نظر حضر تعالی را دارد و در تقدیم این لایحه به مجلس هیچ این نظر را نداشته که باز نسبت به آن طبقه تفصیلی کرده باشد هر جائی که ممیزی شده و ممیزی آن هم فرض کنید که زید نفوذ ندارد و بر دولت ثابت شده است که ممیزین آنجا رفه اند روى یک وضعیتی بالآخره مالیات را کم کرده اند من قضع دارم که هیچ دست به آن ممیزی ها نمیزند اصل رویه و اعقیده دولت این است و خیل میکنم با این اصلاحاتی هم که در شور اول و شور دوم در کمیسیون مالیه باتفاق نظر آقای وزیر مالیه شد که حقیقتاً اصلاحات بزرگی کردند و باز هم حاضرند که اگر یک چیز هائی نظر آقایان میرسد در این شور قانی پیشنهاد کنند (مهدوی - انشاء الله) و موافقت برقراری آن ایان بنظر بنده باید رئیس کرد فکر آقای وزیر مالیه را زیرا ایشان یک نظری دارند و متصودشان این است که مالیات دولت حفظ شده باشد و ضمناً هم البته این عوائد حقیقی که در این مجلس قانونی برای آن وضع شده عاید دولت بخود بنده خیال نمیکنم نه حضر تعالی نه هریک از ملاکین این مملکت نظر

انشاء الله یک ثروتی یک عایدی پیدا کنند آنوقت می خواهند تجدید بکند مختارند ولی حالا که مردم چیزی ندارند از چهار طرف فشار به آنها وارد می آید یک نفر چهار خروار کاه دارد در از بارش را مهرو موم میکنند یکی دم دروازه دونا بار کاه دارد می آورد میگویند باید فلاقدر بدھی خودش هم چیزی ندارد که بدھد فکر بکنید بینید آیا صلاح است که اینقدر سختگیری بمردم به فلاخین به نجار به کسبه صلاح هست بکند اگر صلاح بست یک اندازه باید با مردم مدارا کرد با مردم راه رفت سابق ها عرض کردم با سیزده کرور این مملکت اداره می شد (حالا خوب اداره نمی شد آن راهم نصدیق میکنم) خوب با سیزده کرور چطور مملکت اداره می شد ولی حالا عایدات دولت از همه حيث از حيث انحصر و غیر انحصر متجاوز از حد معاذنی است خراج میشود نه کارخانجاتی داریم و هیچ نداریم بجز یک فلاحت ناقصی و بر همه ماهها فرض و لازم است که این فلاحت را ترویج کنیم علاقمند به فلاحتشان تشویق کنیم آنها را خبردار کنیم علاقمند به فلاحتشان کنیم نه اینکه همه روزه اسباب زحمت و تولید اشکالی برای آنها بشود بنده با این قانون مخالفم وضع فلاحت و فلاخین را آگر بخواهیم عرض کنیم یک جملی یک مختاری یک نمونه عرض کنم در سه هفتگه قبل بنده شب در فیروز آباد بود که بهترین و معتبرترین دهات نمیدانم روز بروز اسباب دلتگی و فقر مردم زیادتر می شود باید اینجور قوانین به مجلس نیاید و از مجلس نگذرد عقیده خود بنده است.

**رئیس - آقای ملک مدنی**

ملک مدنی .. آقای فیروز آبادی لایحه را درست دقت فرمودند تصور کردند که دولت یک لایحه جدیدی برای ممیزی تقدیم مجلس کرده و تمام نقطه نظرش هم این بوده است که یک تضیقاتی بزارع و رعیت کرده باشد در صورتیکه اینطور نیست بنده میخواهم برای رفع سوء تفاهم از حضر تعالی (یکفر از نایاندگان - بلندتر) یکقدری مفصل مطالب را عرض کنم که خاطر نان از نگرانی دور شده باشد این قانون بعیده بنده یک اصلاحی

پدر و پسر رامشمول قرار ندهيد عرض ما از اين قبيل است از اينها جلوگيري کنيد و گرنه بعقيده بند و همه آقابان نمایندگان ما در دادت ماليات خون از هر حيت از دیگران شاید مقدم تر باشيم و در يتصورت اگر يك ماذا كرانی در مجلس شورای ملي ميشود يا هر يك از نمایندگان محترم مجلس شورای ملي ميکنند روی اصلاحات است و از نقطه نظر منافع و مصالح مملكت است از نظر مصالح عمومی است از نقطه نظر سرعت جريان کارهای خود دولت است حالا اين قانون جديدي که آمده بند در آن جلسه عرض کردم که هم با قانون نيزی مخالفم و هم با اين قانون ولی آقای مدنی ميرمانند که تحصيلدار نباید برو و باید راحت باشيم از او بعقيده بند اين هم تحصيلدار و ازيد ميکند هم مردم را با تحصيلدار است بگریان هستند هم حقيقه يك معایب دیگري دارد که بند الان عرض ميکنم و استدعا ميکنم آقای تقى زاده توجه براي پسر مایند و بى لطفى نکنند و بعد هم نفر مایند که فلانی گفت ماليات تگيرند. ماده اول. اينجا نوشته است از تاريخ تصويب اين قانون باستثنای نقاطي کد دولت بمالحظه احتياجات ارزاقی ابقاء ماليات جنسی را در آنجا صلاح بداند ماليات مذبور بطور دائم تبدیل به ماليات ثابت خواهد شد اين يك حقی است که دولت برای خودش قائل شده است بالاخره ما آمدیم مطابق این لاجه ميگوئیم بله ماليات جنسی تبدیل ميشود به نقدی در صورتیکه اين طور نیست بالاخره اين احتياجات و جنبتین نیست داراي يك طرف است يعني احتياج دارد دولت هرجارا که صلاح بداند جنس بگيردو هر جارا که صلاح نداند تبدیل کند به نقد حالا اين حقيقه نکن است مورد سوء استفاده هم بشود يك جائی يك پيشكار ماليه اساساً آمده است ميکويد بند از نقطه نظر ارز او ميل دارم که جنس بگيرم در صورتی که مطابق اين قانون باید تسعير بشود بعقيده بند او بند معتقدم از نقطه نظر ارزاق ارزاق حقيقه در اين مملکت يك طرز غريب و عجبي شده است دولت ارزاق را برای چه

بنده بى لطفيد و بند علنی را هم نفهميدم بند عرض کردم در موقعی که آقای تقى زاده وزیر هستند و مورد توجه مجلس شورای ملي هستند و ماهم از ايشان انتظار داريم در زمان تصدي ايشان هيجونه حيف و ميلی در راه آهن نخواهد شد ولی بند عرض کردم هيجونه مليونی که ما به سندیکا کی نیست و تصور ميکنم اینقاون شده وجه کردد ولی بالاخره آقا فرمودند ما يك خانه ساخته ايم صد هزار تومن خرج داشته است در وديوار و اينها را درست کرده ايم يك روزنه باقی مانده است خواستيم آنرا درست کنیم بالاخره آن شد . . . .

**رئيس - داخل موضوع شويد .**

**طلوع -** بله چشم مقصود عرض بند بود که بند عرض نکردم ماليات گرفته نشود عرض کردم بقدر استطاعت مردم ماليات ازشان بگيرند و وسائل تسهيل و آسایش عمومی را فراهم کنيد و طرز اجرا را هم يك طوری قرار بدھيد که اسباب زحمت مردم نشود و بعد هم تذکر دادند که ماليات خون باید بدھيد بند از آغاز سؤال میکنم ملت يك ايان بعقيده بند و آقابان نمایندگان هيجوقت در پرداخت ماليات خون از دیگران عقب نماند اند ما ماليات خون داده ايم و ميدھيم خود آقای تقى زاده ميگذرد ما چقدر ماليات خون داده ايم و ميدھيم چه خون هاي کرانبهائی چه خون هاي مقدسی. همین دو ماه قبل مگر از نظر ما محو شده است که حقيقه همین ماليات خون همین نظاميان رشید ما مگر کم رشادت و شجاعات بخرج دادند حقيقه داد شجاعات و رشادت دادند حقيقه اينها ماليات خون است که ملت ايران ميدهد و در آئيه هم خواهد دا. بنانکه از روزی که قانون نظام وظيفه از مجلس راجرا شد اگر مراجعيه بفرمائيد يك نفر از نمایندگان از کسی توسط نکرد که شما فلان پسر يبارادر یاقوم و خويش یارفيق يا فلان دوست بند را معاف کنيد اگر يك شکایتهاي هم کرده اند از طرز اجرا بوده ميگفتيم هفتاد ساله را شما بيدست و يك ساله نتوسيد در قزوين

بان اين باشد که غيراز آنچه که عايدات قانونی است تحويل ماليه شده باشد اين منظور را هم خود وزير ماليه دارند اما آن دو سه قسمتی که عرض کردم هميد است و در اين قانون اصلاح خواهد شد و مخصوصاً برای طبقه خورده مالك وزارع که آقا متوجه است خوب است اين است که اولاً اين ماليات جنس يك مالياتي بود که همه هر مبلغ به ماه بود برای يك خروار يا برج خروار ماليتني که در يك ده يك خورده مالك يا مالك کار ميخواست بدھد يك هامورو و يك تحصيلدار ميرفت دو روز سه روز در آن ده توفيق ميگردد تا اولاً جنس را جمع آوري ميگردد بعد حمل ميگردد می آورد در مرکز بلوک يايک شهری که اينبار بود آنچه تحويل بدھد وقت ميآوردد آنچه از هر خرواري ده من پانزده من گر ميگرددند اينچه دولت متوجه شده و مجلس هم خيال ميکنم با اين فکر خيلي موافق باشد که اين ماليات جنسی را نقدی کنند که اساساً اين آمد و رفت مأمور و تحصيلدار بكلی قطع شده باشد که مرد از اين زحمت خلاص بشوند بند ياد دارم که مگر خود حضرتعالی همین جا آمدید صحبت گرديد که اين جنس که ميآيد آفت و مرک و اين خرهها چه چيز است چرا باید بالاخره در جنس اينقدر تخييق گلند ايسن بجهت آن است قسمت دوم بعقيده بند يك اصلاح بسيار خوبی است که در كميسيون تاریخي اين مملکت ميشوند در صورتی که نه من و نه آقاباً نمایندگان مجلس شورای ملي هيجکدام محاف ييستيم که آذر ملي ما حفظ بشود و مصون از هر تعارض باشد و حقيقه هرچه لازم نیست قدغن کند دولت که خارج نشود و بند مخصوصاً راجع به ماليات صحبت کردم جواب ميشوند که اساساً ماليات تگيرند بند با حضور آقابان با تصدیق خلاصه هذا كرات مجلس شورای ملی که بند عرض کردم ماليات تگيرند بند ع ماليات بگيرند ولی در حدود استطاعت مردم و رسمی طرز وصول ماليات را هم فراهم کنند اين اصل مقصود بند است و بند نيدانم حقيقه چرا آقابان ناين اندازه بعضی آقابان وزراء عرض کشم نسبت به هر امين ماليه هر رئيس ماليه هر طوری ميخواست

است موقوف شود و هرسال تجدید نشود و یک ترتیبی بکنیم. بنظر بنده اگر آقیان یک کمیسیونی معین می کردند و هیچ دولت هم نیامده بود و سایر آقیان وکلا هم آنجا جمع میشدند از آنجا همین در میامد برای اینکه آن چیزی که ما آوردم اصولش هیچ اشکالی هیچ اشکالی در این نیست که هم مبنی بر حق نیست هم مبنی بر ارفع وهم مبنی بر تنظیم و ساده کردن کار است و اگر اشتبه هایی داشت با اشکالاتی در عمل داشته و با بعضی جاهد ممکن بود بسختی تسعیر شود تمام اینها را از اول ه آخر آقیان اصلاح کرده اند علاوه بر این که در مجلس اول یعنی قبل از شور اول اصلاحات زیادی کردند در مجمع آقیان وکلاء هم اصلاحاتی شد و بعد در کمیسیون تدارکات زیاد شد و همه اصلاحات شد بعد از در مجلس آوردم آقیان هفتاد و هفت پیشنهاد دادند و بنده شخصاً به حصة خودم هر پیشنهادی که مبنی بر ارافق بوده و منافع دولت بکلی از میان نمیرفت یازده بدولت تعدی نمیشد قبول کرده حق میخواستم از بعضی آقیان گله مندی کنم که وقتی یک حرفی یک چیزی را جمع شدیم و قبول کردیم آن اندازه دولت قبول کرد در جلسه آینده اورا مناطق چانه زدن، مأخذ اول چانه زدن گرفتند. دوباره روی او مذاکره شد. و دوباره اصلاح را ارسر گرفتند هرچه ممکن بود بنده قبول کرده دولت قبول کرد این نرخ آزاد که الان آقیان نمایندگان ملک مدنی - موافقم.

**وزیر مالیه** - داعی اصلی برای آوردن بن زیاده به مجلس برای همه آقیان معلوم است آوردن بن زیاده به مجلس شورای ملی ناشی از حسن نیت بوده است و قصد تعدی و اجحافی بالاگین یه رعایا نبوده است و از آن طرف هم حفظ منافع دولت و مخصوصاً بی درد سر بودن یعنی یک کاری بکنیم فرض کنیم هیچ این زیاده را نیاورده بودیم به خود آقیان می گفتند خواهش داریم جهانی که اداره ارزاق بود آنجا ها را چکار بکنیم بنده گفتم دولت قصد ندارد مطابق نرخ آزاد کار کند گفتم بنویسم مطابق نرخ آزاد حالا هنوز مالیات مأخذ معین است صد سهونیم را که مازید و کم نمیکنیم اما چطور بکنیم که آن تحصیلدار خودش نرود و این تسعیر هرسال که خودش یک کار قرون وسطائی

چهار نفر اساساً مال دولت است دو نفر مال مالک است و آن یک نفر تاجر غله راهم با اختیار مالک نگذشتند آن را آورده اند گذاشته اند با توافق نظر حاکم و رئیس مالیه سه نفر آنجا یک نفر هم که خود حاکم و رئیس مالیه طرفدار دولت است دو نفر باقی میمانند از برای مالک (کازرونی) - برای مالک نیست چرا اشتباہ می کنید؟ چرا دو نفر مالک از معمدین محل (کازرونی) - کسی معین میکند؟ ها اینهم یک موضوعی است که بنده الان متوجه شدم اینهم ممکن است بگویند معمدین محل را هم با توافق نظر رئیس بلدیه و حاکم یا رئیس مالیه باشد پس هرشش نفر می شود منحصر بحود دولت و اساساً این طور بقیمه بنده خوب نیست که خودتان معین کنید و آن وقت مالیاتی کسی بنده می خواهم بدھیم اگر اختلافاتی حاصل شد همان شش نفر تمثیل از طرف دولت باشد و این بقیه بنده اساساً خوب نیست بنده استدعا میکنم از آقای تقی زاده توجه بفرمایند در بعضی مواد دیگر هم بنده عرایضی دارم که در موقعش بعرض می رسانم.

**رئيس** - آقای وثوق موافقید.

**وثوق** - موافقم.

**رئيس** - آقای ملک مدنی.

**ملک مدنی** - موافقم.

**وزیر مالیه** - داعی اصلی برای آوردن بن زیاده به مجلس برای همه آقیان معلوم است آوردن بن زیاده به مجلس شورای ملی ناشی از حسن نیت بوده است و قصد تعدی و اجحافی بالاگین یه رعایا نبوده است و از آن طرف هم حفظ منافع دولت و مخصوصاً بی درد سر بودن یعنی یک کاری بکنیم فرض کنیم هیچ این زیاده را نیاورده بودیم به خود آقیان می گفتند خواهش داریم جهانی که اداره ارزاق بود آنجا ها را چکار بکنیم تاجر غله با اختیار مالک است که بنده گفته بودم چون سه نفر معین کرده بودند و دو نفر از طرف مالک است این از نقطه نظر عمل همیشه اکثریت بادولت است و همیشه البته اقایت مطیع اکثریت است دو نفر البته در مقابل سه نفر هرچه بگویند بی فایده است ولی متأسفانه در این ماده نوشته اند یکی دیگر اعتراض میکنند که چرا نرخ

نرخ طهران بیست و دو تومان بوده از آنجا بیک قیمت میخریدند بیاورند اینجا به بیست و دو تومان بیفروختند این شصت ماهه آخر چه جور باید معین بشود خیلی نقاط ایران که بوده است اداره ارزاق بوده است و منحصر به آنجا بوده است که باید بیاورند آنچه بروشند آیا همان نرخ را نرخ آزاد میدانید؟ الا آن که گندم بنده چهار تومان قیمت دارد در سال گذشته که شما داره ارزاق داشتید بیست و دو تومان قیمت داشته گندم بنده را بیاورند بیست و دو تومان قیمت گندم و مالیات بیست و دو تومان بگیرند این عقیده خوب نیست و منفافه نیست بنده معتقد هستم که اولاً دولت چه ضرر دارد که جنس را اساساً در هرسال حد متوسط یا حد اعلای قیمت آن را با تصدیق چند نفر از اهالیکه اطلاعات دارند معین کند و مالیات جنسی را تبدیل بنقد کند خوش گشایش کجا است؟ هم دولت راحت است هم مردم در هرسال میدانند که جشنواره چند قیمت داشته و مالیات را هم مطابق همان قیمت پرداخته اند این بقیه بنده عادلانه است و اگر از نقطه نظر سایر قسمت هایی که دولت اشکالی در پیشنهاد بنده می داند در طرز عمل ممکن است یک راه حلی بیداکنند که اصلاً قیمت قبل از تأسیس اداره ارزاق در این مملکت باشد یعنی آن موقعی که نرخ آزاد یعنی بازار آزاد داشته است آن نرخ را بگیردو مطابق همان بامردم رفتار کند این بقیه بنده است و استدعا دارم که حقیقتاً خود آقا هم توجه بفرمایند عملی نیست برای این یک راه حلی بیداکنند یکی هم موضوع حاکم یا نماینده او رئیس مالیه یا نماینده او رئیس بلدیه یا نماینده او در نقاطی که رئیس بلدیه ندارد رئیس انتمنان بلدیه. دو نفر مالک از معمدین محل و یک نفر تاجر غله که با توافق نظر حاکم و رئیس مالیه معین می شوند اینجا بالاخره گمان کردم که اولاً آن یک نفر تاجر غله با اختیار مالک است که بنده گفته بودم چون سه نفر معین کرده بودند و دو نفر از طرف مالک است این از نقطه نظر عمل همیشه اکثریت بادولت است و همیشه که خودشان معین کرده اند عیناً در سایر جاهای بنده یاد دارم بعضی از نمایندگان شکایت میکردند که گندم در قزوین و سایر جاهای شش تومان بوده ولی چون

آزاد نوشته ایم اما اینکه نرخ آزاد را چطور معین میکنند و این اشکال دارد همین امروز در کمیسیون شور اول آن تمام شده و الان آمده است همین امروز بعضی آقایان متوجه شدند که شاید اشکالی هم در تعیین نرخ آزاد پیدا شود چطور معین میکنند بعضی جهات است که نرخ آزاد نبوده او راه شاید میشود بیک ترتیبی درست کرد که نرخ ارزاقی نباشد پس اینکه میفرمائید چطور میشود دولت هر وقت خواست تعییر میکند هر وقت نخواست نمیکند بنده این اشتباہ را رفع میکنم این را که بعضی آقایان خیال کردن ما نمیگوئیم که دولت هر سال بخواهد تعییر میکند هر وقت بخواهد نکند این هم این طور نیست. بیک دفعه که تبدیل شد به نقدی همیشه در نقدی خواهد بود مگر بعضی نقاطی که برای جلوگیری از قحط و غلا با فلان دولت ملاحظه کند. دولت هم در واقع پاسپار میکند هر وقت میگوید صور میکند که دولت بیک جائی را که هیچ قحط و غلام در آنجا نیست میگوید تعییر نمیکنم تبدیل هم نمیکنم. خبر اینطور نیست. بیک جهانی است معلوم است اگر این تعییر واقع میشود صور میزود مملکت دچار قحط و غلام شود و گمان دارم بعد ما در نظر گرفتیم که این تبدیل نشود و گمان دارم بعد از چند سال بکلی این را هم رفع کنیم ولی عجله نمیخواهیم این را تعیین کنیم در باب اینکه این کمیسیون باید معین شود این را باید اولاً آقایان رفع اشتباہ کنم روز اول هم عرض کردم که اینها بیک مسائلی است راجع به موضوع حاکمیت دولت. ما اول از بیک جائی میگیریم هی جلو میبریم هی ارافق میکنیم آخرش هم میگوید باید یک محکمه درست کنند یا دولت خودش بیک جائی که میخواهد نرخ را معین کند قاعده معمولیش این بوده است که بگوید اداره مالیه معین کند. سوء ظن هائی و دغدغه هائی و وحشت هائی در خاطرها هست که میگویند کار را بکلی بیامور دولت و مأمور مالیه اش بگذارد بیک مأمور مالیه دیگر هم آنچا رواثه نکند همراهش که آن کار رانکد بعدهم گفتیم خیلی خوب

حاکم هم آنچا باشد بعد باز دامنه اش را وسعت دادیم گفتم رئیس بلدیه هم باشد خوب چند نفر از مأمورین دولت هم که توافقشان بر تعیی و اجحاف شاید ممکن باشد آنها را هم گفتم بعد گفتم دوسره نفر از مالک هم باشد بnde عرض میکنم آن دوسره نفر مالک و آن بیک نفر تاجر غله اگر بتوافق نظر حاکم بارئیس مالیه معین میشود اگر دوسره نفر دیگر هم بخواهیم معین کنیم اینها هم باید بنظر رئیس مالیه و حاکم معین بشود ما اینجا بمحکمه و محکمه که نمیرویم که بگوئیم شما عده معین کنید ماه معد عده معین کنیم و برویم بمحکمه کنیم و باکثیرت رأی حکمیت بدند در جای دیگر قانون آنچه که بعد می آید که خبرهای جمع شوند و معین کنند که اساساً این ملک این محصول این عایدی را دارد یا ندارد آنچا ما اجازه دادیم که خود مالک هم خبره معین کند و مرضی الطرفین باشد اما اینکه ما برای تعییر جنس یا تبدیل بنقدی در اینجا هم باید یک چیزی معین کنیم که طرفین بایند چیز بکنند خیر نرخ شهر معلوم است دیگر اگر دوسره نفر آدمی که مسئولیت دارد در مقابل دولت و از مستخدمین مهم دولت است باشد کافی است که نرخ را معین کند متنه گفتم از مالکین دوسره نفر هم باشد و ممکن است از نرخ شهر سرنشته داشته باشد تاجر غله هم باشد که ممکن است او هم سرنشته داشته باشد اینها را خود دولت پیشنهاد کرده است و البته راه دیگری نیست برای اینکه در شرآفت قبول کردیم در این کار آن کسی که نرخ برای او معین میشود اولاً برای هر کسیکه بیک نرخ معین نمیشود. که هر صاحب ملکی بیک نفر یاورد در یک شهر تماماً بیک نرخ معین میکنند این طرف را کسی باید معین کند یعنی تمام مالکین شهر جمع میشند یک جائی بیک آدم را معین میکرند و قدری نرخ را معین میکنند متعلق بهم مالکین است. از این حیث البته نمایندگان دولت با هر قدر وسعتی که ممکن است معین میشود یا رئیس بلدیه یا رئیس انجمن بلدیه و مالکین دوسره نفر را دعوت میکنند این طرف را معین میکنند و مالکین دوسره رئیس بلدیه یا رئیس انجمن بلدیه و مالکین دوسره نفر را دعوت میکنند تاجر غله و نرخ را معین میکنند البته همان طور است که فرمودید در نفر مالک هم باید معین شود باید توافق نظر رئیس مالیه و حاکم را جلب

را چه جور معین کرده اند؟ نرخ شصت ماه اخیر بدون آفت حالا اگر بیک نقطه پیدا شد که در این شصت ماه همه اش آفت بود آنچه چه باید بگذند نظریش را آلان عمرن میکنم الان پنجسال است کرمان دچار ملنخ خوارگی است همه آقایان میدانند که مانی که باندازه جنس داشت که همه ساله هفت هشت هزار خوار جنس از کرمان حمل به یزد میشد الان پنجسال متولی است که بواسطه ملنخ خوارگی حتی از عراق جنس بکرمان میرود از اصفهان تجارت میبرند پارسال خود دولت از سیستان جنس بکرمان فرستاد حالا میخواهیم نرخ پنجسال اخیر را معین کنیم هر پنجسال آفت داشته در این قانون هم بیش بینی نکرده است که اگر جائی باشد که پنجسال متولی آفت داشته باشد چهار خری معین کنند (ملک آرائی - بدون آفت است) آخر قید اخیر دارد اگر قید اخیر نداشت بنده فرمایش سرکار را اخیر دارد اگر قید اخیر نداشت بنده فرمایش سرکار را تصدیق میکردم هرگاه بود شصت ماه بدون آفت صحیح بود میگفتیم از هرسالی که باشد (ملک مدنی - بدون آفت را میگیرند) خیر قید اخیر دارد میگوید شصت ماه اخیر خوب این توضیح را بدھید که غرض از این شصت ماه اخیر قبل از شصت هاراهم میگیرد بنده عرضی ندارم این توضیح را آفای وزیر مالیه با آفای مخبر بدھند این بکی بیک عرض دیگر هم دارد اگر این توضیح را بدھد که شصت ماه اخیر قید از برای این پنجسال نیست و غرض این است که یعنی این قدر طلوع - لایجه باین بزرگی را بگذارید چند نفر سال اخیر بدون آفت ولوه سان قبض بشد آنوقت رفع اشکال میشود و اما در فقره ۳ از ماده اول که رئیس بلدیه نوشته اند بنده نمیدانم چه غرضی داشته اند از اینکه رئیس انجمن بلدیه نوشته اند مکرر نه این است که رئیس انجمن بلدی با این ترتیب انتخابی که معین کردیم که مردم شصت و دو نفر را مثلاً در طهران یا چهل و چهار نفر در کرمان انتخاب کنند آنوقت هیئت دولت ازین آنها شش نفر یا دوازده نفر را معین میکنند رئیس انجمن بلدیه هم بحکم وزارت داخله منصوب میشود آقایان می دانند که چقدر اذیت به مردم میکردند آقایان چون بکجنبه می دارد هم از ضرف مردم انتخاب شده و هم از طرف دولت و حکم از وزارت داخله در

اینجا نزخ ارزاقی بود فلاضور بشود این مسئله محل اختلاف میشود نکنید آقا نه کمیسیون میتواند معین کند نه مأمور مالیه اما اگر ما بگوئیم مطابق واقع مقرن بصرفه آنوقت دو طرف می نشینند و واقع را درنظر بگیرند و صرفه را درنظر بگیرند و معین میکنند نظر بندۀ این است و اما کاملاً که اهمیت دارد و بید تصدیق بفرمائید کاملاً شصت ماهه است آقای مخبر شما توجه بفرمائید این شصت ماه را ملاحظه کنید در ایران گندم دراول خرمن بک قیمت دارد دوماه از اول خرمن گذشت قیمش تفاوت میکند پائیز قیمتش تفاوت دارد زمستان تفاوت مبکنده مینمیطور میماند در زمان گل سرمه گریند گندم تاخرمن جدید خیلی گران می شود در واقع دوازده ماه بندۀ میتوانم عرض کنم که در هر سل نزخ گندم دوازده جوز است آنوقت شصت هد شصت نزخ خواهد شد فکر کنید همه‌ان در ایران هستیه میدانم کار مشکلی می شود هم بر کمیسیون کار مشکل میشود هم بر مأمورین مالیه که نمیتواند معین کنند اما اگر سال را درنظر گرفته و دوازده هه را یکی کنید هر در پنجمال آنوقت اشکل رفع می شود و آنوقت پنج نزخ را در نظر میگیرند و اینج شصت نزخ را درنظر گرفته‌اند. آقای فهیمی گویی این را پیشنهاد کردند بندۀ عقیده‌ام این است که اگر نزخ را پنج‌سال قرار بدهند اشکالش کمتر است اینج هم بندۀ اصلاحی در نظر گرفته‌ام یک نظرهم در آن شور اول پیشنهاد کردند بود که این کلمه که با تواافق نظر حاکم و رئیس مالیه شما همینچه را که فرمودید ملاحظه میکنیم که بعد از پیش بروند این کلمه که با تواافق نظر حاکم و رئیس مالیه محتاج نیست برای اینکه مایل کمیسیونی میخواستیم تشکیل شود و این کمیسیون تعین نزخ کند سه‌تۀ از طرف دولت است و از طرف مأمور مالیه سه‌تۀ هم از طرف مؤدى این سه‌تۀ از طرف مؤدى دیگر لازم است قید میکنید که با تواافق نظر حاکم و رئیس مالیه اینهم بنظر بندۀ توضیحی بدھید بلکه اصلاحی بشود و الا خیلی مشکل است.

**مخبر** - فرمایشات اول آقا بنظر بندۀ عدلی نیست برای اینکه احتیاجات ارزاقی را امروز نمیتواند دولت

نوشته‌ید باستثناء تقاضی که دولت مصلحت میداند بعد ماده دومش این است که اگر در موقع آن مالیات را نداد مطابق شش قسمی که معین کردیم باید فلاں عقوبات برداشت مترتب شود فلاں مجازات را دارد باید نیم عشر ویک عش و دو عشر جریمه شود خوب تکلیف او که معین نیست آقا. کرمان چکار بکند پوشش را قسط بدھدیا جنس است جنس را چه جوز بدهد این ماده لاستیکی که غیر معین است این نقاط کجاست که این صحیح نیست با آن ماده پس یک کاری بکنید که این ماده با آن ماده تلقیق بیداکند مرتب بهم بشود از این جهت است که بندۀ دیدم این ماده مخالفت دارد و با آن ماده جمع نمی‌شود پیشنهاد کردند که دولت معین کند آن تقاضی را وقت اگر گندم گران بود در طهران خرواری چهل تومان بود برای تبدیل گندم بنقد نمیامدید امسال که خدا خواسته است و معلوم می‌شود خدا هنوز نظر رحمی بنا ندارد خدا خواسته است گندم در زنجان خرواری سه‌تoman و چهار تومان است در کرمانشاه خرواری هرجا جنس گران شد تبدیل نکند و اگر ارزان شد تبدیل کند اینکه نمیشود باید معین کند کج جنس است و کجا تقدیم داعم معین و معلوم بشد این او لا که قدرت الهی خواسته است سروقت این بدیختها باید و یک نان ارزانی هردم بخورند این دولت میگوید که خیر این مردم باید زان راحت بخورند آمده است تبدیل میکند آمده است تبدیل را بمجلس پیشنهاد کردند است راست است آقا در دوره اول تشریف داشتید در دوره دوم بودید در دوره سوم و چهارم همیشه فریادزدند تبدیل کنید چرا تبدیل نکردید این مدت برای خاطر این که این مالیات جنسی سیصد هزار خروار یا چهارصد خروار امسال باین عنوان روپیمراه شد چهار کروز بودیم این کلمه آزاد معلوم شد که محل صحبت بود چون این کلمه نزخ آزاد هم بنشاند که بندۀ در کمیسیون خارجه فرمایشات آقای وزیر امور خارجه را استماس میکردم و آنجا مشغول خدمت از ایزادی که اول شنیدم و ازش میترسم این را خوب است آزادی که اول شنیدم و ازش میترسم این را خوب است این کلمه آزاد را معین کنند مطابق واقع و مقرن به صرفه آن کمیسیون هم هست به نفرش از طرف دولت است سه‌تۀ از طرف مؤدى است اینجا یکقدری تعادل می‌شود یک قدری صرفه دولت را ملاحظه میکنند این تعادل می‌شود و الا نزخ آزاد کلمه اول امی شود به است، کرمان است، عراق است کدام نقطه از نقاط کرور قیمت داشت اما فرع این است که طلا باشد اگر است که از این قانون آن نقاط را استمنا میکنند و اینجا

**آقا سید یعقوب** - چون نظر دولت بگذشت این لایحه است و مجلس هم با اینکه دو سال تمام موافقت بادولت کرده است اگر هم نظری داشته باشد اینجا باز از جهت اشتراك مساعی با دولت رای خواهند داد که نگویند سه نفر از آنطرف دو نفر از اینطرف این خلاف عدالت است اما اگر بنویسیم رئیس پاک از طرف دولت میشود داده است این بهتر است بنظر بندۀ آنوقت تعادل هم میشود دو نفر در واقع بانتخاب طرفین است دو نفر هم از طرف دولت دونفر هم از طرف مردم پیشنهادی هم عرض کرد مخبر .. اجازه میفرمائید؟

**رئیس - بفرمائید**

**مخبر** - در قسمت اول اشکای که فرمودید نظر همان است خودتان اظهار فرمودید نظر اینست که شصت ماه اخیر بدون آفت است ولو اینکه از بیست سال قبل هم باشد. در قسمت دوم هم نظر این بوده است رئیس بلدیه از نقطه نظر اطلاعات محلی و آن وظایفی که یکنفر رئیس بلدیه یک محلی دارد و سایر دلایلی که دارد مقدم است بر رئیس انجمن برای اینکه بالآخر وضعیت را او حفظ میکند و از ازاق بطور کلی دست اوست از این جهت م اینجا نوشتم رئیس بلدیه رئیس .. موافقین با کفایت مذاکرات قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

**رئیس - تصویب شد. پیشنهادی از آقای آقا سید یعقوب رسیده است قرائت میشود:**

**پیشنهاد آقا سید یعقوب**

**پیشنهاد می کنم در ماده اول این نوع اصلاحات عبارت باستثنای تا مالیات مزبور نوشته شود در نقاط ذیل و نقاط معین شود عبارت نزخ آزاد نوشته شود مطابق واقع مقرن بصرفه و عبارت شصت میاهه نوشته پنجمال اخیر**

**رئیس - بفرمائید**

مالیات مکلف میباشد در مقابل دریافت وجه قبض رسمی صادر و بمؤدى تسلیم نمایند.

تبصره - امناء مالیه میتوانند بشرط قبول مسئولیت نمایند کان مجازی در بلوکات یاقوٰه تعیین و قائم مقام اداره مالیه در تحويل گرفتن مالیاتها نمایند.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - در این جنده در شور اول

هم عرض کرده حلا که نظر ارفعی داریم چون کسانی که می خواهند مالیت بدنه مدد مردم ایران هستند اینها که دارای یک بودجه و دفاتر هرتبی نیستند که سرمه آن اندازه پول دارد و فلان قدر مالیات جنسی به نقدی

باید بدده که این را متساوی بدده شش ماه ظرف است از برای دادن مالیت نه اینکه متساوی بودن در این مسئله شرط هستند و کسانی می کنم خود دولت هم قبول

کنند که با قید کردن متساوی بودن این تکلیفی است و زحمی است بر مردم بدون اینکه نفعی هم برای دولت

داشته بشد در ظرف ۶ ماه باید مالیت را پردازد اگر در ضرف شش ماه پرداخت و آن مالیاتی که باید بدده نداد آن مجاز نماید که در ماده سوم مقرر است بر آن متوجه

میشود دیگر معین کردن متساوی گمان نمی کنم که باید تکلیف فوق العده بشد این یک موضوع . موضوع دیگر اینکه در این جهاته آقای وزیر مالیه توضیح بدنه

مالیتی مستقیم شاعل مستغلات هم میشود به اینکه میشود در این راه میکسیون

رئیس - خیر قریان برود به کمیسیون مانع ندارد اگر مخابر کمیسیون تقاضا کند متعارف ندارد

رئیس - بسیار خوب سیر پیشنهادات ارجاع میشود به کمیسیون . ماده دوم قرائت میشود :

ماده دوم - مالیاتی مستقیم در هر سالی در ۶ قسط ماهانه متساوی اخذ خواهد شد و عموم مؤذین مالیت

مکلف میباشند که مالیات خود را در رأس اقساط مقرره بدون انتظار مطالبه بمایه محل یابوزارت مالیه پردازند ولی هر مؤدى حق دارد که مالیات خود را قبل از موعد

مقررده یکجا و یا در مدت کمی پردازد

خودمان را بدانیم و الا سایر پیشنهادات هم همینطور بکمیسیون رجوع شود ما نظرمان در کمیسیون همین بوده است که آورده ایم بمجلس و البته باید پیشنهاداتی که میشود اگر موافقت میفرماید بفرمائید در اینجا خوانده شود که بدانیم کدامشان مورد توجه مجلس میشود که بجدداً اگر رایتری میاید باز در اینجا مورد اشکال نشود بنا بر این اگر اجازه بفرمائید پیشنهاداترا بخوانند هر کدام که قابل توجه شد مانکلیف مان را بدانیم در کمیسیون . رئیس - ماده شصت و سه برای استحضار خاطر آقایان قرائت میشود :

ماده ۶۳ - اصلاحاتی که در ضمن شور ۷۱ پیشنهاد میشود در صورتیکه از طرف کمیسیون ارجاع آن خواسته نشود صاحب اصلاح بطور اختصار آن را توضیح و استدلال میکند و فقط اعضاء کمیسیون حق جواب دارند پس از آن مجلس در باب قبول یا عدم قبول توجه رأی میدهد در صورت قبول توجه آن اصلاح به کمیسیون فرستاده میشود در باره این قبول اصلاحات نمی توان همان روز که پیشنهاد شده است رأی داد ( صحیح است )

رئیس - حالا می فرمایید پیشنهادات را بخوانیم ؟ اعتبار - خیر قریان برود به کمیسیون مانع ندارد اگر

مخابر کمیسیون تقاضا کند متعارف ندارد

رئیس - بسیار خوب سیر پیشنهادات ارجاع میشود به کمیسیون . ماده دوم قرائت میشود :

ماده دوم - مالیاتی مستقیم در هر سالی در ۶ قسط

مالیه اخذ می کنند این آیا داخل در مستقیم است یا نیست ؟ اگر هست آن قانون مستغلات را پس باید اصلاح

کنیم یا اینکه بینسین اینستم به در اینجا هم متساوی باشد این است که اینجا این را بندۀ پیشنهاد کردم و دیگر در

پیشنهاده هم عرض نمی کنم اگر قبول می کنید کلمه

تاریخ شروع تأثیه مالیات به تناسب مقتضیات هر محل

از طرف وزارت مالیه معین خواهد شد اخذ کنندگان

در نظر بگیرد و معین کند بجهت اینکه هر سال تفاوت میکند و دولت باید در آنیه بهیند کجا احتیاجات ارزاقی دارد در آنجا مالیات جنسی را اباء کند . راجع بكلمة مقرن بصرفه بندۀ گمان میکنم همین کلمه آزاد جامع آن فرمایش سرکار هست . راجع به تبدیل شصت ماه بلدي این چیزی نیست که بعاجانی ضرری داشته باشد .

مخبر - بندۀ گمان میکنم رئیس بلدي بهتر است باشد و عملی تر است برای اینکه در اغلب نقاط هنوز انجمن بلدي تشکیل نشده است ( مؤید احمدی ) اگر نشده که رئیس بلدي ندارد ( آزا چه میکنید ؟ از این جهت رئیس بلدي بهتر است و بندۀ این پیشنهاد را نمیتوانم قبول کنم و بسته برای مجلس است

رئیس - آقایان که پیشنهاد آقای مؤید احمدی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند ( مخبر - بل )

رئیس - (خطاب به آقای آقادید یعقوب) نسبت بدو قسمت

دیگر رأی میگیریم آقادید یعقوب - خیر آقا رأی نمیدهدند مسند میکنم پس میگیرم (خنده نمایندگان) مسلم میدانم و بقین دارم رأی نمیدهدند رئیس - پیشنهاد آقای مؤید احمدی

بنده پیشنهاد میکنم در فقره سوم از ماده اول نوشته شود رئیس انجمن بلدي .

مؤید احمدی -- عرض کنم که بنده در نقطی که کردم این موضوع را توضیح دادم که دو نفر اینجا از طرف دولت هستند یکی رئیس مالیه یکی حکومت دونفر از از معتمدین محل را هالک معین می کند یک نفر از تجار غله را هم طرفین با توافق انتخاب میکنند آنوقت اگر رئیس انجمن بلدي باشد و رئیس بلدي باشد او میشود نوکر دولت و آن طرف سه نفر میشوند و این طرف دو نفر ایکن اگر رئیس انجمن بلدي باشد رئیس انجمن عرض کردم غیر مستقیم از طرف مردم انتخاب شده و مستقیماً از طرف دولت و حکوم وزارت داخله را هم در دست دارد چه اشکالی دارد که عرض رئیس بلدي نوشته شود رئیس انجمن بلدي که دچار آن شکال هم نشوند که در

ملک مدنی - بنده تصور میکنم اینجا اشتباه شده

است . عمولاً سوابقی که هست وقتی پیشنهادی قابل توجه باید البته بکمیسیون ارجاع می شود لیکن سایر پیشنهادات هم باید تکلیفش در مجلس معین شود که ما هم تکلیف

همینطور راجع بمستغلات معین کنند که داخل در عنوان مالیات مستقیم است یا نه و مال بلدیه است؟  
مخبر -- عرض کنم همان ترتیبی که نوشته شده است بنده گمان می کنم که قابل ارافق باشد برای اینکه بنده مُؤدب مالیات اگر بطور متساوی در اقساط معین مالیاتش را بدده بطور تساوی عملی نز و بهتر از این است که بنده هرتبه بدده برای اینکه مالیات را امتحان کردیم که هیچکس عدت ندارد که بدھیش را همینطور باقساط بدده میگذارد و بنده دفعه تا آن وقت که آخر مهلت است آخر ۶ ماه میدهد و هرگز حاضر نیست زودتر بدده ولی وقتی که بطور اقساط ماهیانه و مساوی شد خیلی منظم نز و بسهولت خواهد داد خبی هم برای شن بهتر است و آسان تر است.

**رئيس** -- آقای پاسائی موافقم

**رئيس** -- آقای سید یعقوب مخالفید  
**آقای سید یعقوب** -- عرضی ندارم  
**رئيس** -- آقای اعتبار

اعتبار.. موافقم

ملک مدنی -- کافی است مذاکرات رئیس -- آقای هزار جزیی موافقید؟

هزار جزیی -- بنده یک نویضیحی میخواهم بدھم...  
رئيس -- اگر مخالفید بفرمائید؛ (اعتبار نشد) پیشنهادات قرائت میشود.

**پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب**

پیشنهاد میکنم در ماده دوم درسطر اول عوض کلمه ۶ قسط ماهنده متساوی نوشته شود شش قسط ماهنامه اخذ الی آخر

**آقای سید یعقوب** -- بنده توضیح همان بود که عرض کردم حالا بسته بنظر مجلس شورای ملی است.

**وزیر مالیه** -- برای اینکه اینهم قابل توجه نشود لازم است عرض کنم مقصود این است که مالیات را (که دین مردم است) در همان ماه اول نتوانست درماه دوم همین طور تا آخر خواست بیک قسط

سی روز تأخیر - نیم عشر اضافه  
شصت روز تأخیر - یک عشر اضافه  
نود روز تأخیر - یک عشر و نیم اضافه

یکصد و بیست روز تأخیر - دو عشر اضافه  
تأخر قادیه مالیات علاوه بر صدو بیست روز جائز نبوده و مأمورین مالیه مکلف خواهند بود از حصل املاک سهم مؤدى و در صورت عدم کفايت آن از بقیه دارائی مستثنکف بطور مزایده با دعوت سه نفر از معتمدین محل بفروش رسانده و مطالبات دولت و هر گونه مخراجی که برای این مقصود بیش آید برداشت نماید.

تبصره ۱ - فروش از دارائی مستثنا کف موقعی بعمل خواهد آمد که پاتر در روز قبل از انقضای مدت صدو بیست روز به مؤدى اختصر کتبی شده بشد

تبصره ۲ - در صورت برداخت اختلاف بین مؤدین و مالیه در عدم تأخیر در پرداخت جرائم موقت موقوف المطالبه خواهد ماند وزارت مالیه اختلاف را رسیدگی خواهد نمود در صورت حق بودن مؤدى اختیار جرمیه معاف خواهد شد.

**رئيس** - آقای مؤید احمدی

**مؤید احمدی** - عرض کنم حضور مبارکه که در شور اول هم بنده نظر خود را پیشنهاد کردم و معنوم شد در کمیسیون طرف توجه اعضاء کمیسیون نشده است اینست که حالا عرض میکنم همان فرمایشی که آقای تقی زاده فرمودند که باید مردم مالیات را دین خودشان بدانند و بیاورند بدھنده فرض میکنم یک دین قضی شرعی دارم مؤدى دیگر از اینکه بلا تر نیست وقتی زیدی بعمر وی هزار تومان مشغول الزمه شد از عدایه هم حکم صادر شد باجزا هم رفت آیا بدون هیچ ترتیبی هال اورا میبرند؟ (عده از نایندگان - نه خیر) هیچ همچو چیزی نیست اگر نداد خانه و تمام دارائی و ملک اورا هیفو شید و میبرند گاو رعیت را میبرند؛ این جانو شته است از بقیه دارائی اوین همه چیز اورا شامل میشود این است که بنده پیشنهاد کردم لااقل مستثنیات دین را

خواست بدو قسط به شش قسط دیگر از شش ماه عقب بیندازد بنده این را پیشنهاد کردم و گمان می کنم قابل قبول باشد

**مخبر** - اگر نظر آقا مساعدت با آنها است همین نزدیک را قبول کنند بهتر است برای اینکه بطور قطع پنج ماه و بیست و نه روز نخواهد داد و در روز آخر دچار زحمت است ولی اگر از اول بدده بهتر است

**رئيس** - عده برای رأی کافی نیست. (پس از قدری تأمل) اگر اجزاء میفرمائید پنج دقیقه تنفس داده شود؛

عده از نایندگان - خیر

**دشته** -- نمی شود

**رئيس** -- بالاخره آقا بنده نیمساعت نمیتوانم منتظر آقاین بشوم. چه بکنم آقاین، آقای دشته بفرمائید.

**دشته** - بعقیده بنده تنفس فایده ندارد و تنفس لازم نیست. معنی ندارد آقا تنفس چند نفر رفته اند بیرون باید تذکر داد بیایند تو اگر هم نمی آیند مجلس ختم شود آقا اینکه معنی ندارد تنه نیمساعت است هیج ملک تشکیل شده حالت اکثریت بیفتادین واقعا خوب نیست و واقعا اگر ما بخواهیم این طور رفتگر کنیم سخنیه میشود.

(چند نفر از آقاین نایندگان وارد مجلس شدند و عده کافی شد)  
**رئيس** - آقای اینکه پیشنهاد آقای فیروزآبادی را قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده کمی بر خاستند)

**رئيس** - قابل توجه نشد رأی گرفته میشود به دو مواقفین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

**رئيس** - تصویب شد. ماده سوم قرائت میشود:  
ماده سوم - هر مؤدى که اقساط مالیات خود را بمقابل مقرر تأديه نکند ملزم خواهد بود که برای هر مبلغی که تأديه ننموده است بشرح ذیل علاوه بر مالیات مقرده تأديه نماید

که مکلف می شوند بیاورند بدھنده میشود نصفش را بدده در اول با همه اش را و بالآخره باید بدھنده اینجا مثل مخابر -- عرض کنم همان ترتیبی که نوشته شده است بنده گمان می کنم که قابل ارافق باشد برای اینکه بنده مُؤدب مالیات اگر بطور متساوی در اقساط معین مالیاتش را بدھ بطور تساوی عملی نز و بهتر از این است که بنده هرتبه بدھ برای اینکه مالیات را امتحان کردیم که هیچکس عدت ندارد که بدھیش را همینطور باقساط بدھ میگذارد و بنده دفعه تا آن وقت که آخر مهلت است آخر ۶ ماه میدهد و هرگز حاضر نیست زودتر بدھ ولی وقتی که بطور اقساط ماهیانه و مساوی شد خیلی منظم نز و بسهولت خواهد داد خبی هم برای شن بهتر است و آسان تر است.

**رئيس** -- آقای پاسائی موافقم

**رئيس** -- آقای سید یعقوب مخالفید

**آقای سید یعقوب** -- عرضی ندارم

اعتبار.. موافقم

بنده پیشنهاد میکنم در ماده نوشته شود : در ظرف

شش ماه

**فیروزآبادی** -- این طرز که در ماده نوشته شده در ظرف شش ماه متساوی این احتمال میرود که هم اسباب زحمت هالک بشود و هم اسباب زحمت دولت بجهت دولت بجهت اینکه خوب از شش قسط اگر مالک یا مؤدى یک قسط را کمتر داد آنوقت هم از برای دولت اسباب اشکال میشود از برای اینکه مکلف میشود که جرمیه از او بگیرد و تولید اشکال میکند هم از برای رعیت و مالک که باید جرمیه بدھ از طرف هم برای دولت فرق نمی کند چه یک هرتبه داده شود چه بتدریج خلاصه اش در ظرف شش ماه باید داده شود نظر دولت هم لاید نظر ارافقی است با مالک و رعیت لذا بنده این پیشنهاد را کردم که در ظرف شش ماه داده شود اگر توانست در ماه اول مالیات را (که دین مردم است) در همان ماه اول نتوانست درماه دوم همین طور تا آخر خواست بیک قسط



قرائت شده است

اورنگ -- بنده پیشنهادی در همین موضوع دارم رئیس -- ولی هنافاتی ندارد با فرمایش شما ممکن است پیشنهاد شان قرائت شود

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است رئیس -- پس پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای موید احمدی

بنده پیشنهادی کنم در ماده سه نوشته شود باستثنی مثبتنیات دین که در قانون محکمات حقوقی مصراحت است رئیس -- آقای اورنگ هم شبیه بین پیشنهاد پیشنهاد آقای اورنگ

مقام منع زیاست عالیه مجلس دامت عظمه در ماده سی پیشنهاد میکنم در صورت استنکاف مالکی از تأثیر مالیات دولت از حاصل همان ملک مالیات خود را برداشت و اخذ میکند و جمله ( در صورت عدم کفايت آن از تأثیر دارائی مستنکف تا آخر ماده حذف شود وزیر مالیه -- بنده همان پیشنهاد اوی را قبول می کنم

عراقی -- پیشنهاد آقای اورنگ هم همان است رئیس -- پیشنهاد آقای اورنگ با پیشنهاد آقای موید احمدی تفاوت زیاد دارد ایشان میگویند مستثنا دین را که قانون معین کرده است -- آقا می نویسند جمله از در صورت عدم کفايت آن از بقیه دارای مستنکف گرفته میشود حذف شود این دو موضوع است آقا آقای اورنگ توضیح می خواهد بدھید بفرمائید.

اورنگ -- بنده استدعا میکنم که آقای وزیر محترم مالیه و مخصوصاً مخبر کمیسیون دقت بفرمائید عرض کنم که فرض مطلب را آگر بگنیم مطلب زود حل میشود، چطور فرض مطلب را بگنیم؟ دولت آمده است میگوید من صدی سه و نیم مالیات میگیرم صد خوار گندم سه خوار و نیم مالیات میگیرم. اینطور است؟ خیل خوب حالا یک دھی که من باید از آنجا سه خوار و نیم مالیات بدهم

مریوط بازار است

وزیر مالیه -- البته آقا ابن فرمایشی که فرمودند مبلغ بر اشتباه است برای اینکه مقصود این نبوده است که تمام حاصل ملک را دولت آنجا بزود یک کسی بگذارد که هیچکس دست بآن نزد و تمام آن را جمع آوری کند و آن کاف نباشد دولت بزود املاک و خانه اورا بفروشد و بزدارد همچو فرضی به بخشید فرض است ولی خوبی مستبعد است اگر محال نباشد خیلی مستبعد است که دولت سه خوار و نیم طلب دارد صد خوار از این بگیرد و این سه خوار و نیم را هم امس تسعیر کرد بیست و چهار تومان و یک سالی باید که صد خوار را به بیست و دو تومان هم نخرنده این خیلی بعيد است فرض محال است ( اورنگ -- آن قسم ماده را بزند ) اصلاً این محل است و نظر ندارد مقصود از اینکه اینجا نوشته شده است این است که اگر حاصل دست دولت آمد در صورتی که اینطور شد آن چیزی که دست دولت آمده کر حاصل است برمیدارد و اگر حاصل نیست و کفايت نکرد و یک عشرش مانده روی زمین از مابقی چیزها برمیدارند مقصود این است

اورنگ -- بنده پس از این توضیح آقای وزیر مالیه که عیناً این توضیح در صورت مجلس ضبط میشود و منتشر خواهد شد پیشنهاد را مسترد میدارم برای اینکه مقصود من تأمین شده است دیگر

رئیس -- پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم در ماده سوم در سطر آخر عوشر کلمه هرگونه مخراجی نوشته شود دوعشر

رئیس -- بفرمائید

آقا سید یعقوب -- این همین بود آقای وزیر مالیه که عرض کردم چون اینجا هست که اگر مستنکف واقع شد باید بزود از بقیه دارائی بطور مزایده بادعوت سه نفر از معتمدین محل بفروش رسانده و مطالبات دولت و هرگونه مخراجی که فلاں بنده عرض کردم این ( و هرگونه مخراجی ) کلمه مطلق است و دست مأمورین را باز

کند و بدولت بدھد دولت از همچو ملکی مالیات میخواهد و میگوید گلیمت کو بزن او میگوید گوشواره ات کو و برای این دین مسلم شرعی و عرفی که داری تدارک کن از هرجا شده و سی و پنجمومن بمن بده بدھ غرض این است که این ده مطالبه شده است ازش مالیات یامن میدهم یا مستنکف اگر مستنکف که عین محصول ملک از من مطالبه شود چون این مالیات را زمین مفروض است به بنیه روی زمینش چه چیز است هر چه هست جمع گنبد و بقدار مالیات قان ببرید مزایده بگذارید در سه ری چوب حراج بسی بزندید و بفروشید بلا و پائین تا سی و پنجمومن بشود این که ما نوشیم در ماده که از زائد هایملک مالک از مالک بگیرند این برخلاف عدالت است حالا این ماده را می خوانم اگر درست بود باعن موافقت کنید من مالیات بده نیستم آقاین ولی یک همچو امر مهمی دارد از مجلس ایران میگذرد و پس فردا دست وریش و کلام تمام افراد این مملکت گیر این ماده است . ماده این است آقا . ماده سوم :

ماده سوم -- هرمودی که اقساط مالیات خود را در موقع مقرر تاذیه نکند ملزم خواهد بود که برای هر مبلغی که تاذیه نموده است بشرح ذیل علاوه بر مالیات مقرر تاذیه نمایند :

سی روز تأخیر - نیم عشر اضافه

شصت روز تأخیر - یک عشر اضافه

نود روز تأخیر - یک عشر و نیم اضافه

یکصد و بیست روز تأخیر - دو عشر اضافه

تأخیر تاذیه مالیات علاوه بر ۱۲۰ روز جائز

نیست ( خیلی خوب ) و مأمورین مالیه مکلف خواهند بود که از حاصل املاک سهم مؤدى در صورت عدم کفايت آن محصول از بقیه دارائی مستنکف بگیرند . به بنیید همان است بلکه برخلاف هر ظلمی است ( خنده نمایندگان ) بجهت اینکه وقتی که بناد دھی که صد خوار محصولش باشد صد خوار آنقدر بسی آفت بررس که کسی او را به سی و پنجم تومان نخرد و نتواند اینقدر پول تدارک کند با آنقدر جنس در بازار و اینقدر بی قیمت باشد که از فروش آن جنس نتواند پول نهیه

یعنی نود و شش خوار و پنجاه من مال من باشد و سه

خروار پنجاه من آن را بدولت بدھم دولت می آید تسعیر می کند این سه خوار و پنجاه من را و میگوید خواری ده تومان سه ده تومان سی تومان پنجاه منش هم پنج تومان این سی و پنج تومان سی و پنج تومان را تو بمن بده نود و شش خوار و پنجاه من مال تو قاعده و متعارف این است که من میدهم از برای سعادت و خوشی خودم و برای قطع گفتگوی من و مالیه حالا اگر مالیات بدھی آمد و توانست این سی و پنجمومن را بدھ و بازار فروش بیدا نکرد که سه خوار و پنجاه من جنس بفروشد یا ده خوار از این جنس را توانست بفروشد که پول آن سه خوار و پنجاه من را بدھ توانست تدارک کند و بیاورد و بدھ بمالیه خوب امروز دیگر در غایب از بلدان ایران که یک خوارش هم محل فروش تدارک هزار خوار از جنس هم عمل فروش ندارد . حالادر همچو موقعی دولت برودو همه این صد خوار جنس او را ضبط کند و خودش بفروش برساند و بمقدار سی و پنجمومن که رسید بزدارد و بزود ولی این ماده میگوید که خیر زائد بر آن صد خوار جنس هم دولت از ما یمک دیگر ش هم جمع کند تا سی و پنجم توانش را بر دارد و ببرد این در چه صورتی است ؟ در صورتی است که صد خوار از را در بازار کسی نخرد به سی و پنجم تومان خوب اگر صد خوار جنس را در بازار به سی و پنجم تومان نخریدند یا اینقدر آفت بده رسیده باشد که آنقدر مقدورش باشد از عین محصول همان ملک سی و پنجم تومان بدولت بدھ دولت از همچو دھی میگوید من مالیات میخواهم اینرا میگوید ؟ اینکه برخلاف هر ظلمی است بلکه اینکه وقتی که بناد دھی که صد خوار گندم سه خوار و نیم مالیات میگیرم صد خوار گندم سه خوار و نیم مالیات میگیرم . اینطور است ؟ خیل خوب حالا یک دھی که من باید از آنجا سه خوار و نیم مالیات بدهم

## دوره هفتم تئوری

## مذاکرات مجلس

صفحه ۲۹۵۸

**دستانی** - پیشنهاد آقای مؤید احمدی نظر بندۀ را تأمین کرد و دیگر وقت مجلس را تلفنی کنم (رؤس - تند تویسان میگویند نمی شنویم بلندتر صحبت کنم) فقط در پیشنهاد خودشان اضافه کنمند قانون محکم حقوقی

**رؤس** - پیشنهاد آقای وثوق

مقام عالی ریاست مجلس شورای می داشت شوکته در تصریه دوم پیشنهاد میگنم در جمله خیر بعد از کلمه مؤید کمد (از) اضافه شود جمله باین ترتیب اصلاح شود

(مؤید از اخذ جریمه مدعف خواهد شد)

**آقا سید مرتضی وثوق** - بندۀ توضیح ندارم فقط این عبرت چندان مقصود را نمیفهمم. نه. مینویسد: در صورت حق بودن مؤید اخذ جریمه مدعف خواهد شد این معنی ندارد آن روز هم بندۀ پیشنهاد کرد نوشته شود از اخذ جریمه مدعف خواهد بود

**وزیر مالیه** - لازم است عرض کنم که دولت با این تصریه موافق نیست و این تصریه را هم بندۀ در کمیسیون قبول نکرده و لآن در موفعیله این: ملاحظه میلائم می پننم له این چپ شده است و شبد کمیسیون قبول نکرده است و این را خودش رأی دده آن و جب کرد اند این تصریه را آقین نایب ملاحظه نفرمایند له در اصل مطلب هم هر قدر مبحشم و مذکوره شد ایشان یعنی بقابل توجه بودنش آقایان موافقین باید مذکوره باشند میکنم. ولی اگر اضافه را قبول کردیم آنوقت دیگر نیم عشر بدهد به این ربع بدهد. با اینکه هبیج ندهد این بیک چیزی با اگر بنا پشد بدهد و جریمه هم لازم باشد برای اینکه تأثیری در آن قضیه کار داشته باشد دیگر بعضی چیز هم بر آن اضافه کنمند که آخرش خودش باشد و خودش این معنی ندارد وقتی که از یک طرف گفته شد سی روز تأخیر نیم عشر بود روز تأخیر یک عذر و نیم یکصد و بیست روز فلان بعد از یکصد و بیست روز هم از حاصلش بردارند و مزایده و

به وصول وصول میشود. ولی این جاماليات است و ماليات اگر میخواهید منظماً وصول شود غیر از اين ترتیب که نوشته شده است راه دیگر ندارد یعنی باید در یکسال معینی در مقابل مخارج معین این وصول شود در صورتی که مخارج معینی دارد در هرسان نمیشود که بیک تأخیر غیر محدود برای او قائل شد و با دیون حقوقی مقابله نمود و بديون دیگر شباخت داد ما مدیون را که حبس نمیکنم و بعد اگر در مذاکرات شخصی استعمال لفظ دین کرد در واقع دین است و به پرداخت آن مقید است و اگر نداد جزو بقایا میشود و هر وقت باشد وصول میشود. شبهت با دین همین است و این چیزی است که خود اهل مملکت برای اشتراک در خارج باید بدنهند در ظرف آن سن و در مقابل و کلاهی ملت تصویب کرده اند که این مخرج بشود و هر چیزی هم که گرفته شود ومصرف نرسد باید وصول شود و داده شود اینها میخواهم خواهش کنم که آقا این قسمت را اصرار نفرمایند ولی در قسمت دوم بندۀ علاقه بملکت خودشان دارند و برای اصلاح اقتصادی این مملکت این مملکت جریمن دارد هیچ وقت استثنای از تدبیر مالیات نمیکند. بندۀ سه دوره در مجلس نماینده بوده ام موافق مقررده تأثیره ننماید اقساط عقب افتاده را باضافه مبلغی که از دوازده اقساط مالیات تجاوز خواهد کرد پردازد ولی هرگاه تأثیره اقساط زیاده از چهار همان مبالغی که از دوازده اقساط مالیات تجاوز خواهد بود الى آخر مذکور شریعت زاده - بندۀ نظر دولت را متوجه میکنم با اینکه در هر پیشنهاد قوانین نه فقط باید رعایت متفقین را کرد بلکه رعایت اصولی که متناسب و موافق با مهیئت آن قوانون باشد باید رعایت نمود اینجا این جریمه که نوشته شده است البته جریمه جزائی بیک چیزی است که مردم را مکاف میکند که بروند مالیات بدنهند از آنطرف نظر قانون گذار باید این باشد که کارهای ناشی از تأخیر تأثیره جبرانش بر طبق اصولی باشد این کارهای ناشی از تأخیر تأثیره جبرانش بر طبق اصلی در همه جا مطابق بیک ترتیبی معین شده است فرض کنمید بیک کسی پرداخت بیک دینی را بموجب حکم کرد

است اما اگر ما یقین کنیم و بگوئیم از برای خرج نیم عشر بیشتر حق ندارد آنوقت محدود میشود والابا بنابراین ترتیب دستشان باز است. شایخیان نفرهاید که مکثر خرج کنمند مسلم نیم عشر قبول کنمید آن بیچاره از خدا میخواهد و باین شکل مسلم بیشتر خواهد شد این است که بندۀ پیشنهاد کردم که این را تبدیل کنمند به نیم عشر بهتر است حالا مختارید مخبر - اینجا نوشته شده است و هر گونه مخاطر حسی که برای منصود وقق که ما اینجا این قید را کردیم که برای این مقصود قصص تجاوز خواهد کرد بعلاوه آمدیم زیرا عشر شد آنوقت چنانکه نیمیم بنا بر این بندۀ تصور میکنم جای نگرانی بباشد

**رؤس** - آقا یاکه پیشنهاد آقای آق سید یعقوب را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قید نمودند)

**رؤس** - قابل توجه نشد. پیشنهادی از آقای شریعت زاده رسیده است قرائت میشود

پیشنهاد میکنم ماده سوم بترتیب ذیل اصلاح شود ماده سوم - هر مؤید که اقساط مالیات خود را در موافق مقررده تأثیره ننماید اقساط عقب افتاده را باضافه مبلغی که از دوازده اقساط مالیات تجاوز خواهد کرد پردازد ولی هرگاه تأثیره اقساط زیاده از چهار همان مبالغی که از دوازده اقساط مالیات تجاوز خواهد بود الى آخر مذکور شریعت زاده - بندۀ نظر دولت را متوجه میکنم با اینکه در هر پیشنهاد قوانین نه فقط باید رعایت متفقین را کرد بلکه رعایت اصولی که متناسب و موافق با مهیئت آن قوانون باشد باید رعایت نمود اینجا این جریمه که نوشته شده است البته جریمه جزائی بیک چیزی است که مردم را مکاف میکند که بروند مالیات بدنهند از آنطرف نظر قانون گذار باید این باشد که کارهای ناشی از تأخیر تأثیره جبرانش بر طبق اصولی باشد این کارهای ناشی از تأخیر تأثیره جبرانش بر طبق اصلی در همه جا مطابق بیک ترتیبی معین شده است فرض کنمید بیک کسی پرداخت بیک دینی را بموجب حکم کرد

و زیر مالیه - راجع به مسئله مقایسه این با دین های حقوق و مجازات این عرض میکنم بیک اختلاف بزرگی هست وقتی که کسی دین خود را ادا نکرد البته مطابق قوانین حقوقی تعقیب میشود و ممکن است در صونیکه نتواند بدهد جیش بکنمند محبوس بشود صاحب دین بمحروم نیست که فوراً طلب خودش را وصول کند برای اینکه هر وقتی که وصول کرد دیر باز زود وقتی محکمه حکم کرد

فلان و همه اینها آنوقت میگوید در صورت بروز اختلاف یعنی در واقع یک محکمه باز برقرار میکند که اگر این اختلاف داشته باشد که او بگوید من آوردم دادم اولاً هچو چیزی متصور نیست برای اینکه وقتی در کمیسیون این را گفتند بنده گفتم بلى فرضش ممکن است ولی در ماده دیگر مینویسد در جای خصوص خودش که وقتی داد قبض میگیرد و قبض هم تاریخ دارد آمدیم یک فرض دیگر قرارداد گفتند که مأمور مالیه درب اداره اش را میبنند و درمیروند به شهر دیگر شخص غرضی له باهودی دارد که اگر آمد او را آنجا پیدا نکند هچو فرضی خیلی مستبعد و محال است سقیم آنطرف مینویسم که به مالیه محل یا مقامه مرکز یا وزارت مالیه هم میتواند بددهد همه این چیزها بنظر رسیده است یعنی مث کسی که مالیت خودش را اورده اول اگر مالیه محل همیشه آنچه نشته است مالیه است این مالیه دارد وقتی که میآورند میدهنند دلیل ندارد که نگیرند مالیات دولت را میگیرند وقتی هم میگیرند قبض میدهنند قبض هم تاریخ دارد چطور میشود بعد بیاید بگوید نه من تأخیر نکرد و اوز میگوید تأخیر کردی مُؤْدِی بیشتر که تو اند آید مبدعه و میگوید خیر در موقع دادم یا اینکه مأمور مالیات را در موقعش میگیرد و بعد ادعه میکند که دوامه بعد داده این خیلی مستبعد است لهذا بنده عرض میکنم که دولت با این تبصره دو موافق نیست

**رئيس - آقایانکه پیشنهاد آفای ونوق را قبل توجه میدانند قبض فرمایند**

( عدد قبیلی قیام نمودند )

**رئيس - قبل توجه نشد . پیشنهاد دیگری رسیده است فرائت میشود**  
**پیشنهاد آفای قاضی نوری**  
مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی شید الله ازکانه  
بنده پیشنهاد میلائم هاده سه اینطور اصلاح شود -  
تاخیر تأذیه مالیات علاوه بر صدو بیست روز جائز نبوده بعضی از نمایندگان - رای رای

و مأمورین مالیه مکلف خواهند بود از حاصل املاک مؤدى با دعوتسه نفر از معتمدین محلی بفروش رسانیده و در صورت عدم کفایت از دارائی منقوله مؤدى در همان محل یا درجای دیگر داشته باشد باندازه کسر مالیات مؤدى حراج نمایند و چنانچه کفایت نکند املاک مؤدى توفیق و در سال آینده دو برابر آنچه نپرداخته باشد مالیات آن سنه وصول و بقیه محصول را با اختیار صاحب ملک بگذارند الخ

**رئيس -- بفرمائید**

**قاضی نوری -** البته خاطر محترم آقایان مستحضر است که وضعیت فلاحت ایران ( نمایندگان - بلند تر ) مذاکره شد که اگر مودی تواند مالیاتش را بپردازد دولت از اموال منقول و غیر منقول او باندازه آن مالیاتی که طلب دارد حراج میکند و میگیرد . بنده نظر میکنم باین قسمت که اگر بناشد یک کسی دارای یک ملکی باشد و او بواسطه اتفاقی تواند مالیاتش را بپردازد یعنی نکس زراعی داشته باشد که تواند بپردازد و آن کسانی که از طرف او بودند اطلاع نداشتند که بهایه اطلاع دهنده که محصول آنها ازین رقت است بواسطه اتفاقی یا خرمن او سوخته یا کسی بوده باشد که تواند مالیات را بپردازد آنوقت شاید اموال منقول هم نداشته باشد دولت باید مالک او را حراج کند این بکلی قانون مالکیت را لغو میکند مترکز میکند و اشخاص دیگر نه رغبت میکنند ملکی را بخرند و نه ملکی را آباد کنند برای اینکه چیزی که در اختیار او نباشد او هرگز اقدام باآن کار نخواهد کرد این بود که روی این قسمت بنده تقاضا کردم که اگر چیزی داشته باشد اموال منقولی داشته باشد که جای دیگر باشد آن را حراج کنند و اگر نداشته باشد حاصل آن سنه را دو برابر از او بگیرند ولی ملک او حراج نشود بنده عقیده ام این است و این قسمت را اگر آفای وزیر مالیه با آفای مخبر توضیح بدهند که تأمین بشود بنده پیشنهادم را مسترد میکنم والآخر راهنمایی میکنم چون بماده ایشود رای گرفت برای این که پیشنهاد آفای شریعت زاده قابل توجه شده است باستناد ماده ۶۳ رای گرفتن در این جلسه باین ماده

یک مردمان بی غرض بی نظری هستند و بالاخره از همه چیز دور اتفاق افتاده اند و هیچ نظری ندارند که در یک جا بگویند که فلان موقع توینچ روز تأخیر کردی و برای او یک عشر سه عشری قائل شوند و بعد هم بیانند یک حل و عقد هئی هم بگند نظر ما این بود که این تبصره را این جا بگذاریم که حتی امکان از سوی نظر مأمورین جلوگیری کرده باشیه ولی در ضمن هم همانطوریکه عرض کرده که این هیچ نباید اسباب نگرانی دولت بشود که ممکن است با این تبصره آنوقت در مالیات ها و پرداخت انتطای یک تأخیری بشود زیرا مؤدى موقعی میتواند از این تبصره استفاده کند که مالیتش را پرداخته باشد و در سر جریمه دعوی بکند .

**وزیر مالیه -- عرض کنیم فهر عبارت طور خوبی نیست اگر مقصود و منظور ایشان جریمه است که مطالب فرق میکند منظور تأخیر در بر جریمه اینست ؟ چون که این عبارتی که این جه نوشته است ( اعتبار — منظور جریمه است بنده اصلاح کردم ) ظاهر عبارت این است که راجع بتأخیر در پرداخت مطالبات یک نقطه مالیات علاوه کنند و این هم که میفرمایند مالیات را داده از کجا میفهمند که داده است میفرمایند از این صورت ها ممکن است این بشد که مأمور مالیه در موقع پرداخت در آن محل بوده یا مثلاً ( کازرونی هریض بوده ) یا یک مؤدى بتوسط پسر خودش قسطش را فرستاده یا دو روز تأخیر شده علاوه بر سی روزی بود روز این اختلاف در چه وقت پیدا میشود در موقع جریمه در موقعی که مالیات را داده است در سر جریمه اختلاف است در سر خود مالیات اختلاف نیست میگوید این مالیات را در فلان تاریخ در سه روز بعد از آن سی روز داده ام پس جریمه بمن تعلق نمیگیرد مأمور میگوید خیر چون تو سه روز تأخیر کردی جریمه بتو تعلق میگیرد حالاً ما این جا گفتم حق داشته باشد به وزارت مالیه مراجعه کند و وزارت مالیه قضیه را بررسد به بینند اگر چنانچه واقعاً تأخیر نکرده اورا معاف کند و گفتم بکلی معاف باشد گفتم رسیدگی کنند و تمامش راهم نمیشود فرض کرد که مأمورین مالیه یا سرتحصلداران باستناد ماده ۶۳ رای گرفتن در این جلسه باین ماده**

اعتبار - اصلاح میکنم .

**رئيس - بالاخره پیشنهاد چه شد .**

**ملک آرائی - یک بزر دیگر قرائت شود .**

( مجدد ایشان سبق خوانده شد )

اعتبار - صحیح است

**رئيس - نظر آفای مخبر**

**عدل - بنده هم یک پیشنهادی در این زمینه از دادم رئیس - بعد قرائت میشود . بنده برای سهوت کار راهنمایی میکنم چون بماده ایشود رای گرفت برای این که پیشنهاد آفای شریعت زاده قابل توجه شده است باستناد ماده ۶۳ رای گرفتن در این جلسه باین ماده**

میسر نیست اگر آقای شیر قبول کند این هم بکمیسون  
میزود طبعاً  
خبر - قبول میلائم .

رئیس - پس بنا بر این دو پیشنهاد دیگری له رسیده  
است میخواهم له این ماده را تمام کنم .  
پیشنهاد آقای عدل

عبارت تصریه ۲ بترنیب ذیل اصلاح شود .

در صورت بردن اختلاف بین مؤذبان و ماید نسبت  
اعراضی از آقای آفاسید یعقوب رسیده است که باید آن اعزام  
۴ ساعت قبل از خاتمه جلسه جواب فرقه موقوف  
موقوف خواهد شد .

پیشنهاد آقای کازرونی

بنده پیشنهاد میلائم جمله ( و هرگونه مختار جو ) الى  
آخر از آخر ماده سه حذف شود .

رئیس - قبول میکنید که بروز به کمیسیون ماده سه

میم اند بر ای بعد آقای وزیر امور خارجه فرمیشی داردند  
۴ - شور اول معاهده صنعتی ایران و آلمان |  
وزیر امور خارجه - بنده به معاذر از اینکه

داخل هی شود در شور اینکه بون میخواهم جای توجه  
آفایان محترم را بکنم که وزارت خارجه یعنی نایحه  
دارد در مجلس شورای ملی که دو شوری است و  
یک ماده واحد هم هست و امروز اگر شور اول آن  
بعد نیمید آنوقت آن نایحه میماند میخواهم تقاضا کنم  
از آقایان که شور اول آن ماده واحد را بفرمایند و  
گمان میکنم معقولی هم نداشته باشد چون در باب یک  
قرار دادی است که دولت ایران با دولت آلمان بسته  
است و مذاکره ندارد اگر توجه بفرمایند که این شور  
اول را بفرمایند بنده خیلی مشکر می شوم .  
نمایندگان - موافقیم اشکالی ندارد .

رئیس - اشکالی نیست ( خیر ) خبر کمیسیون  
امور خارجه در این موضوع قرائت عیشود .

کمیسیون امور خارجه در جلسه هشتم آبان ماه نایحه  
نمره ۷۱۳۱۱ - ۱۴۹۹۵ دولت راجع معاهده عالم  
صنعتی بین ایران و آلمان را تحت شور درآورد پس  
از مذاکرات زیادی اکثریت کمیسیون بالایحه مزبور

هفتاد و پنجاه و آفیان در مجلس حاضر هستند و ما  
برای رای هشتاد و یک نفر لازم داریم و بنا بر این  
کار نمیتوانیم بکنیم .

یاسائی - برای مذاکره که عدد کافی است  
رئیس - گفته میشود برای مذاکره . برای مذاکره  
چه نتیجه خواهد داشت چون باید رأی گرفت . این  
در تشخیص است که قسمتی از رفقا میگویند که ما در  
تعیین وقت مرجع این بوده است که از صبح عدول نمیگردیم  
حالا هم ما تعقیب کنیم عقبده اکثریت آفایان را اگر  
موافق میفرماید جله را ختم کنیم ( صحیح است )  
جلسه آینده شنبه سه ساعت قبل از ظهر  
( مجلس هفت ساعت و نیم بعد از شاهر ختم شد )  
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

نسبت باملاکی که در اجاره هستند اطلاعات مذکوره  
باید باعضاً مالک و با نماینده آن و مستأجر ملک باشد  
وزارت ایاله مکلف است که از تاریخ تصویب اینقانون منتهی  
تا دو ماه تمام وسائل انجام اظهار نامهای فوق را در هر  
 محل نهیه واعلانات لازمه را چه بوسیله مأمورین خود و  
کخدایان قراء و چه بوسیله نشر در جراحت منتشر سازد و  
اوراق اظهار نامهای را نهیه و بدسترس مالکین بگذارد .

رئیس برای مذاکره اکثریت نیست

بعضی از نماینده کان - ختم جلسه

بعضی دیگر از نماینده کان - تنفس

در این موقع جلسه بعنوان تنفس تعطیل و بفاصله ۲۰

دقیقه مجدد تشكیل گردید

۶.. موقع جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - برای کار کردن اکثریت نداریم برای آنکه

موافق نموده و ماده واحده ذیل را تقدیم ساحت مجلس  
شورای ملی مینماید :

ماده واحده - مجلس شورای ملی قرارداد حمایت  
تصدیق نامه های خزانه عالم صنعتی تجارتی و اسامی تجارتی و طرح ها  
و حقوق مالکیت صنعتی مشتمل بردو ماده را که در  
تاریخ ۲۴ فوریه ۱۹۳۰ ( ۵ اسفند ماه ۱۳۰۸ شمسی )  
بین دولتین ایران و آلمان امضا شده است تصویب و

اجازه مبدله سخ صجه شده آن را بدولت میدهد .

رئیس - مذاکرات در کلمات است مخالفت نیست فقط

اعراضی از آقای آفاسید یعقوب رسیده است که باید آن اعزام

۴ ساعت قبل از خاتمه جلسه شود بعد برای ارجاع آن

کمیسیون رأی میگیریم این است که در شور ثانی مطرح

میشود رأی میگیریم بورود در مواد موافقین قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . ماده اول مطرح است اعترضی

رسیده است . دو دو . اعترضی رسیده است رأی

میگیریم بورود در شور دو ماده موافقین با ورود در شور

دوه قیمه فرمایند .

( اکثر بر خستند )

رئیس - تصویب شد . ماده چهارم لایحه میمیزی

قرائت میشود .

۵. بقیه شور ثانی لایحه ممیزی از ماده ۴

ماده چهارم - کمیه مالکین و بمنیمنه کان آنها مکلفند که

شصت روز بعد از تصویب اینقانون نهیه در حرف سه

ماه اطلاعات ذیل را کتبه بدارد ملی محل و با نماینده آن

تسليم نمایند اداره ملیده مکلف مددان رسید خواهد بود

۱) اس ملک و ولایت له در آن و قه است

۲) اسم یا اسمی مالکین

۳) میزان متوسط انوع نصول ملک بر طبق عمل

کرده ملک در سه سال از سالهای اخیر بدون افت

۴) اواید نقدی و جنسی مالک در سال عادی بدون آفت

۵) عده جفت کاو و یا عوامل هشتبه

۶) تناسب تقسیم محصول بین مالک و دعیت

۷) مخارج معمولی ملک ده هر سال